دیدگاه

سخنی با ریاست قوه درباره تجویز اعاده دادرسی

ادامه از صفحه اول / طبق پیام ماده ۴۷۷ ضمن اضافه کردن احکام خلاف قانون به جای رئیس قوه، یک مرجع قضائی متشکل از چند قاضی با آئین دادرسی مشخص درخصوص برخی از احکام و محکومیت‌ها نسبت به مورد مبادرت به اظهارنظر کند. والا با توجه به اختلاف سلایق در بحث تشخیص خلاف بین شرع ما عملا مواجه با تجویز اعاده دادرسی به صورت گزینشی می‌باشیم و این ممکن است موجب تبعیض در بحث تجویز اعاده دادرسی شود. ضمن اینکه اصولا معتقدم در نظام قضائی به صراحت قانون اساسی قاضی مستقل بوده و هیچ مقامی جز مرجع قضائی بالاتر حق دخالت در صدور احکام و یا تعیین و تکلیف نسبت به قضات مستقل نباید داشته باشد. با این حال توضیحات آقای محسنی ازهای در بحث اینکه باید دقت لازم لحاظ شود و فهرست تفکیکی از موضوع و پذیرش درخواست‌های اعمال ماده ۴۷۷ ارائه گردد و هر درخواستی مورد پذیرش قرار نگیرد و در زمان تجویز باید با قاضی صادرکننده مذاکره قضائی به عمل آید تا شاید متوجه اشتباه در صدور حکم مورد اعتراض شود حائز جنبه‌های مثبتی است اما این نوع تعیین تکلیف عملا مشکل فرآیند مربوط به درخواست اعاده دادرسی به شرحی که فوقا گفته شد را مرتفع نخواهد نمود. اشکال واقعی در نظام قضائی فعلی ما این است که به دلیل عدم اعمال یک آموزش نظام‌مند و جدی در بسیاری از مسائل ابتدایی و در برداشتن از قانون و شرع بین قضات مراجع بدوی، تجدیدنظر و دیوان کشور برداشت مشابه وجود ندارد و به همین دلیل احکامی صادر می‌شود که در تطبیق با اصول علمی قابل دفاع نیست. اینجانب خود در یکی از دادگاه‌های تجدیدنظر دادگاه انقلاب، در مقام دفاع از موکل با ایراد ریاست محترم دادگاه تجدیدنظر مواجه شدم و به من اینگونه اعلام شد که «اقا دفاع علمی نکنید...» که اسناد آن البته موجود است. بنابراین در کنار برنامه‌های عادی، بازآموزی قضات آنهم نه به صورت سمیلیک بلکه توسط حقوقدانان مستقل و قضات یا وکلا یا اساتید صاحب‌نظر به صورت بسیار جدی و حتی برگزاری آزمون را ضروری می‌داند. گذشته از آن نظارت‌ها به اندازه‌ای نیست که شائبه‌های موجود در خصوص سلامت احکام قضائی و پیمایش فرآیند صدور آنها را برطرف کند و شاید وجود چنین احکامی که در تطبیق با قانون و عدالت قضائی ناعادلانه و نادرست به نظر می‌رسد، موجب هجوم محکومین به فرآیند درخواست اعاده دادرسی توسط ریاست محترم قوه قضائیه است. بنابراین توصیه ما به آقای محسنی ازهای این است که ضمن تعمیق آموزش قضات، تشکیل نظارت علمی و صنفی، استفاده از نهادهای معین عدالت قضائی مانند وکلا، کارشناسان خوشنام و سالم در پایش رفتار قضات و در نهایت نسری جهت درخواست اعاده دادرسی به خلاف قانون نیز، بنیان جدیدی در این زمینه ایجاد کنند و برای تسریع کار از قضات باسابقه و خوشنام در چارچوب یک واحد قضائی کارشناسی نسبت به بررسی درخواست‌ها و سپس ارجاع به یک مرجع عالی قضائی همانند هیات تشخیص البته با رفع ایرادات گذشته اقدام شود. ضمنا این ایراد به پیشنهاد ریاست قوه قضائیه وارد است که در پذیرش درخواست‌ها به صورت گزینشی اقدام کرد. ممکن است حتی برای یک حکم کیفری با مجازات جایگزین غیر مثلا پرداخت جریمه اساس حکم نادرست، محکومیت مشتکی عنه غیر عادلانه باشد. بیایید به صورت نظام‌مند فارغ از ذهنیت‌های مبتنی براهداف و توجیهات درست راهکاری عینی و عملی در پیش گیریم تا بسترساز ایجاد مرجعی باشیم که در خصوص احکام صادره خلاف قانون و شرع بتواند با بازنگری اعاده حق و اجرای عدالت نماید والا ماده ۴۷۷ فعلی قانون آئین دادرسی کیفری فاقد معیار درخصوص خلاف بحث شرع، مخالف با استقلال قاضی و فاقد تشریفات مشخص امره است و باری از دوش ایفاگران نقش در نظام عدالت قضائی در خصوص احکام نادرست برنخواهد داشت.

نگاه

حرف حساب تجمعات صنفی چیست؟

ادامه از صفحه اول / مطرح شده را باطل دانست. این مردم همان‌ها هستند که نه تنها شرایط سخت جنگی را تحمل می‌کردند و اغلب ازحقوق ناچیز خود به هزینه‌های جنگ کمک می‌رساندند که فرزندانشان را برای دفاع از کشور راهی جبهه‌های نبرد می‌کردند. مطمئنا اگر درحال حاضر هم منطق عمیق و علمی و قابل فهمی برای اوضاع کنونی کشور وجود داشت ایرانیان بازهم می‌پذیرفتند که سختی‌های معیشتی را پذیرا باشند. اما درحال حاضر چگونه می‌شود آن تعادل و ثبات فکری دوران جنگ را پدید آورد؟! اختلاس‌ها، حقوق‌های نجومی مدیران، انواع مخارج غیرموجه برای نهادهای غیرپاسخگو محل توجه دیدی عموم است و حداقل بگیران نمی‌توانند از کنار آن عبور کنند. شاید برخی از مسئولان تصور کنند که مردم چندان به هزینه‌های فاقد منطق ملی توجه ندارند ولی این تصور واقعا غلط وخطرناک است. اتفاقا کوچک‌ترین هزینه‌های بی‌مبنا زیر ذره‌بین آنها قرار دارد و حتی شامل کمک‌های انسان دوستانه به کشورهای دیگر هم می‌شود. مثلا اگر در عراق واحد درمانی تاسیس کنیم قوراین سوال منتشر می‌شود که وقتی ما خودمان در زمینه درمان با مشکل مواجه هستیم چرا باید در کشوری دیگر برای سلامت هزینه کنیم؟ مهمتر از این نامعادله آزاردهنده نوع سیاست‌های کشور است که نمی‌تواند اقشار مختلف را قانع کند. درست است که عده‌ای می‌خواهند با شعار همه مشکلات را حل کنند و همه مظلومان جهان را نجات دهند ولی روش است که مردم شدیدا به سیاست‌های هزینه‌ساز خارجی حساس شده‌اند و نمی‌توانند خود را نسبت به شرایط سخت معیشتی بی‌تفاوت جلوه کنند؟ مشکلات دیگری ازقبیل نوع برگزاری انتخابات که می‌توانست بل ارتباطی حاکمیت و مردم را تقویت کند هم وجود دارد. اصلا چرا اقشار معترض فرصت نمی‌دهند که مدت معقولی از تصدی دولت جدید بگذرد بعد در صورت ناتوانی او در حل مشکلات شروع به انتقاد و اعتراض کنند؟ همین حدود نشان می‌دهد که انتخابات کارکرد طبیعی خود را نداشته و حداقل بخشی از مردم با آن ارتباط برقرار نکرده‌اند. شورویجانی که معمولا انتخاب جدید درمردم ایجاد می‌کند درشرایط عادی تا یکی دوسال به صبر وانتظار و امید دامن می‌زند و آرامش‌ساز و رونق‌آور است ولی اکنون خلاآن کاملا مشهود است.

ادامه از صفحه اول /

◀ عملکرد دولت به چه میزان در افزایش امید به بهبود وضعیت در آینده مؤثر بوده است؟

امید به آینده در یک جامعه به عوامل مختلفی بستگی دارد. نکته دیگر اینکه امید به آینده در یک جامعه در یک پروسه زمانی و در چند دهه شکل می‌گیرد و نمی‌توان در کوتاه‌مدت دلایل آن را مورد بررسی قرار داد. متأسفانه در کشور ما در سال‌های اخیر امید به آینده کاهش پیدا کرده است. امروز کسی که پولدار است امید به آینده ندارد، کسی که تحصیل می‌کند به پیدا کردن شغل مناسب امید ندارد و کسی که ازدواج می‌کند امیدی به این مسأله ندارد که بتواند از نظر اقتصادی زندگی خود را تأمین کند. در چنین شرایطی نمی‌توان خوشبین بود و فضای اجتماعی همواره آکنده از عصبانیت، دعوا و ناراحتی است. به همین دلیل نیز اگر قصد داشته باشیم کشور خود را از نظر امید به آینده با کشورهای دیگر مقایسه کنیم باید به این نکته توجه کنیم که کدام کشورها در وضعیتی شبیه به ما زندگی می‌کنند. این در حالی است که کمتر کشوری در جهان وجود دارد که انگیزه مردم تا به این اندازه کاهش پیدا کرده است. پیام اصلی دین اسلام گذشت و مهربانی است. این در حالی است که برخی مسئولان که روی کار آمدند دیدگاه‌های شخصی خود را اجرا می‌کردند. این افراد با مردم نامهربانی کردند. به همین دلیل نیز امروز مادر همه آسیب‌های اجتماعی ما بی‌اعتمادی و عدم اطمینان به آینده است. بر اساس آمارهایی که مددکاران اجتماعی در ایران تهیه کرده‌اند بیش از ۷۰ درصد مردم ایران دچار بی‌اعتمادی هستند. این بی‌اعتمادی از نزدیکان و آشنایان آغاز می‌شود و در نهایت به ساختارهای مدیریتی جامعه می‌رسد. هنگامی که در محیط خانواده والدین به یکدیگر و به فرزندان خود اعتماد ندارند چگونه می‌توان انتظار داشت که افراد جامعه به یکدیگر اعتماد داشته باشند. اگر از دخترانی جامعه یک گزارش تهیه شود که تاکنون چند بار به‌عنوان عشق از دیگران دروغ شنیده‌اند قطعا آمار بالایی را نشان می‌دهد. این وضعیت در محیط کار و شغل افراد جامعه نیز وجود دارد. هنگامی که کارفرما بدون هیچ دلیلی کارگر خود را اخراج می‌کند، فرد اخراج شده دچار سرگشتگی و بی‌اعتمادی به خود و جامعه می‌شود.

> **پیام اصلی دین اسلام گذشت و مهربانی است. این در حالی است که برخی مسئولان که روی کار آمدند دیدگاه‌های شخصی خود را اجرا می‌کردند. این افراد با مردم نامهربانی کردند. به همین دلیل امروز مادر همه آسیب‌های اجتماعی ما بی‌اعتمادی و عدم اطمینان به آینده است**

◀ کاهش امید به آینده به چه میزان به شرایط اقتصادی ارتباط دارد؟

پایه و اساس مسائل اجتماعی را باید در اقتصاد جست‌وجو کرد. هنگامی که پایه و اساس خانه خراب باشد درنهایت دیوارهای خانه نیز فرو می‌باشد. با این‌وجود نمی‌توان مدعی شد که اقتصاد تنها عامل به وجود آورنده امید به آینده است. بدون شک عوامل دیگر خوبیط اجتماعی نیز در این زمینه تأثیرگذار است. به‌عنوان‌مثال آزادی‌های فردی و اجتماعی در میزان نشاط اجتماعی تأثیرگذار است. هرچه آزادی‌های فردی و اجتماعی در یک جامعه بیشتر باشد به همان میزان نشاط اجتماعی و امید به زندگی نیز افزایش پیدا می‌کند. درنتیجه اگر می‌خواهیم جامعه دارای نشاط اجتماعی بیشتری باشد باید آزادی‌های مدنی را افزایش بدهیم. واقعیت این است که در شرایط کنونی اغلب کارگران در وضعیت نامناسب اقتصادی می‌کنند و بسیاری از مغازه‌داران با رکود مشتری مواجه هستند. از سوی دیگر بیکاری روزبه‌روز در جامعه در حال افزایش است. وضعیت به شکلی شده که شرکت‌های خصوصی به یه حالت نیمه تعطیل درآمده‌اند یا اینکه مجبور شده‌اند کارکنان خود را اخراج کنند. در نتیجه گرانی‌های اخیر جامعه را عصبی کرده و جامعه در آستانه یک انفجار جمعیتی قرار گرفته است. این اتفاق اگر امروز رخ ندهد بدون شک در آینده نزدیک رخ خواهد داد. شرایط اقتصادی مردم تأثیر مستقیمی در تحولات اجتماعی یک جامعه خواهد داشت. این مسأله تنها مختص به ایران نیست، بلکه در همه کشورهای جهان وجود دارد. این در حالی است که هیچ کس حاضر نیست مسئولیت ناسامانی‌های اجتماعی و مشکلات اقتصادی مردم را بر عهده بگیرد. در این شرایط برخی عنوان می‌کنند که مردم باید مقاومت کنند. سؤال اینجاست هنگامی که پدر خانواده نمی‌تواند شکم همسر و فرزندان خود را سیر کند چگونه باید مقاومت کند؟ دولت عنوان می‌کند که قصد دارد درآمدها را افزایش بدهد. با این‌وجود در واقع هنگامی که دولت درآمدها را افزایش می‌دهد در مقابل مالیات‌ها را نیز تا چندین برابر افزایش خواهد داشت. مردم از دولتی که نمی‌تواند امورات آنها را مدیریت کند متنفر شده‌اند. مردم نمی‌تواند با وعده و قول زندگی خود را بچرخانند و شکم آنها با وعده مسئولان سیر نمی‌شود.

◀ چگونه می‌توان در چنین شرایطی تغییر ایجاد کرد و امید به آینده را افزایش داد؟

درست و بانادرست اجرا کردن قانون در جامعه نیز در زمینه امید به آینده تأثیرگذار است. اگر قوانین جامعه به شکلی باشد که به‌صورت صحیح و با احترام به شهروندان اجرا شود نتیجه مثبتی به همراه خواهد داشت و اگر برخلاف این رویکرد باشد نتیجه عکس به همراه داشت. بر اساس تحقیقات تنها ۱۰ تا۱۵ درصد از مردم جوامع مختلف به‌واقع دارای مشکلات روانی هستند و بقیه به دلیل مشکلات زندگی دچار مشکلات روحی و روانی می‌شوند. نکته دیگر اینکه نباید همه مشکلات کشور را سیاسی کرد و یا رنگ و بوی سیاسی به آن داد. هیچ فرزندی وقتی متولد می‌شود معتاد و سارق نیست. ریشه این مشکلات در محیط خانواده و فشارهایی است که به پدر و مادرها در خانواده‌ها وارد می‌شود. باید بیشینه خانواده و جامعه به یک فرد به برخوردی کرده که دزد شده است. هنگامی که پدر و مادر فرصت رسیدگی به مشکلات فرزندانشان را به دلیل مشکلات زیاد پیدا نمی‌کنند

دکتر مصطفی اقلیما در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

«وعده‌های بزرگ» نتیجه نمی‌دهد، به قانون عمل کنید

مادر همه آسیب‌های اجتماعی بی‌اعتمادی به آینده است

گرانی‌های اخیر جامعه را عصبی کرده است

۷۰ درصد مردم ایران دچار بی‌اعتمادی هستند

عکس: آرمان ملی / فاطمه فتاحی

**آرمان ملی- احسان انصاری: دولت سیزدهم به چه میزان امید به آینده و فردایی بهتر را در جامعه افزایش داده است؟ آیا عملکرد دولت به شکلی بوده که بتوان فردایی بهتر برای مردم متصور بود؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سؤالات با دکتر مصطفی اقلیما جامعه‌شناس گفت‌وگو کرده است. وی معتقد است: مردم از مسئولان حرف نمی‌خواهند، بلکه نگاه آنها به عملکرد مسئولان کشور است که به چه میزان در راستای مطالبات آنها حرکت می‌کنند. نکته دیگر اینکه هر مدیری که روی کار می‌آید در ابتدا وعده‌های بزرگی به مردم می‌دهد. با این‌وجود پس از مدتی نمی‌توانند به وعده‌هایی که به مردم داده عمل کند و در نتیجه مردم به مرور زمان اعتماد خود را نسبت به مسئولان از دست داده‌اند. مدیرانی که تازه روی کار می‌آیند به مشکلات فرزندانشان را به دلیل مشکلات زیاد پیدا نمی‌کنند. در حالی که تازه روی کار می‌آیند به جامعه با حکم و گفتمان مهربانی و عدم قضاوت برخورد می‌کنند اما مردم از مسئولان کشور است که به چه میزان در راستای مطالبات آنها حرکت می‌کنند. نکته دیگر اینکه هر مدیری که روی کار می‌آید در ابتدا وعده‌های بزرگی به مردم می‌دهد. با این‌وجود پس از مدتی نمی‌توانند به وعده‌هایی که به مردم داده عمل کند و در نتیجه مردم به مرور زمان اعتماد خود را نسبت به مسئولان از دست داده‌اند. مدیرانی که تازه روی کار می‌آیند